

شرق آسیا

هنوز در خطر بحران اقتصادی است

اشاره:

بحران اقتصادی شرق آسیا از اواسط سال ۱۹۹۷ میلادی تا پایان سال میلادی گذشته به شدت و حدت ادامه داشت و بر رشد اقتصاد جهانی تأثیر منفی نهاد. مجامع مالی بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در کنار سیاستمداران و اقتصاددانان کشورهای صنعتی ضمن ارایه میلیاردها دلار کمک مالی و ارایه نسخه‌های متعدد برای از بین بردن رکود و جلوگیری از سرایت بیشتر آن به اقتصاد کشورهای پیشرفته وارد عمل شدند.

در جریان بحران پولی شرق آسیا، میلیاردها دلار سرمایه از منطقه خارج شد و اصلاحات اقتصادی در بخش‌های پولی و مالی تجویز گردید تا سرانجام تا حدودی بحران مرتفع گردید. با وجود آنکه کمک‌های اقتصادی و وام‌های اضطراری غرب به کشورهای شرق آسیا، جریان سرمایه به کشورهای درحال توسعه را به شدت در چند سال اخیر تحت تأثیر قرار داده و رشد اقتصادی این کشورها را با کندی مواجه ساخته، با این وجود هنوز انتظار می‌رود که جریان این منابع به خاور دور ادامه پیدا کند.

با وجود آنکه اخبار و گزارش‌های متعددی مبنی بر سرطرف شدن رکود اقتصادی شرق آسیا منتشر می‌شود، اما برخی اقتصاددانان غربی هنوز به دورنمای رشد اقتصادی این ناحیه چندان خوشبین نمی‌باشند و بر تداوم اصلاحات اقتصادی تأکید دارند.

نشریه اکونومیست چاپ لندن در شماره اخیر خود با انتشار گزارشی درباره اوضاع اقتصادی شرق آسیا، نگرانی‌ها و ابهامات موجود در این زمینه را پیش رو نهاد. این گزارش توسط خانم لانی عمرانی ترجمه و تدوین شده و برای اطلاع خوانندگان محترم نشریه «بررسی‌های بازارگانی» از دورنمای اقتصاد شرق آسیا در آستانه هزاره سوم میلادی ارایه می‌شود.

دورنمای اقتصاد شرق آسیا

کره جنوبی چندی پیش ورشکستگی گروه صنعتی «دوو» که دومین مجموعه صنعتی عظیم این کشور است را اعلام کرد.

وزیر دارایی تایلند چند ماه پیش اعلام کرد که وام‌های بدانجام (قابل سوخت شدن) هنوز روبه فزونی است.

پتروناس، شرکت عظیم دولتی نفت مالزی، برخی شرکت‌های وابسته را به قید ضمانت کنار گذاشت.

اختلاس‌ها در اندونزی نشان می‌دهد که این کشور در فساد مالی فرورفته است. همه این اخبار بد باید در دورنمای آینده اقتصاد شرق آسیا مدنظر قرار گیرد. اگرچه اصلاحات ساختار منطقه تأثیر

فزاینده این اخبار بد را مورد تردید قرار می‌دهند، اما در کوتاه‌مدت برای ضربه زدن به دورنمای اقتصادی منطقه اثرگذار هستند.

با وجود آنکه بهبود اوضاع اقتصادی در کره جنوبی در چند ماه اخیر خارق‌العاده بوده و تولید صنایع آن در ماه ژوئن سال ۱۹۹۹ از رشد سالانه بیش از

واکنش‌های بازار نسبت به این اخبار، مشکل خواهد بود.

برخی کارشناسان عقیده دارند که اصلاحات پیشنهادی غرب به دول شرق آسیا، کمک چندانی به خاتمه رکود اقتصادی آسیا نمی‌کند و به همین جهت تعجب‌آور نیست که با وجود انجام نشدن تمام اصلاحات، رکود به ظاهر در حال پایان یافتن است. با این وجود بهبود اقتصادی شرق آسیا موجب حیرت بسیاری از افراد و از جمله کارشناسان شده است، زیرا که در جریان بحران پولی روسیه در یک سال گذشته، سیستم مالی جهان به ظاهر در لبه نوسان قرار گرفت و به نظر می‌رسید که منطقه به معجزه دیگری نیاز دارد.

نویسنده مقاله «اکونومیست» عقیده دارد که رکود آسیا بنابه دلایل رکودهایی که معمولاً پایان می‌پذیرد (طی شدن دوران‌های تجاری - رکود و رونق)، رو به اتمام می‌رود. زیرا خانوارها، سرمایه‌گذاران و شرکت‌ها سرانجام مبادرت به مصرف و سرمایه‌گذاری دوباره می‌کنند.

نویسنده عقیده دارد که سرانجام «آمارها» نقش خود را در اقتصاد ایفا می‌کنند. مقایسه‌های سالانه تولید که دیر یا زود ملزم به بهتر جلوه کردن می‌شوند، پس از چنین نوسانات شدیدی، اطمینان را به عاملان اقتصادی برمی‌گردانند. اگرچه اقتصاددانان سالهاست که در زمینه علل این امر چالش دارند.

نویسنده عقیده دارد که حالت ارتجاعی مؤثر اقتصاد آمریکا که به کمک کاهش نرخ بهره در اواخر سال ۱۹۹۸ پدید آمد، به تقویت اقتصاد جهانی کمک کرده است. در همین حال نشانه‌های رشد اقتصادی در اروپای غربی و ژاپن نیز بدان کمک کرده است.

با این حال صندوق بین‌المللی پول

آسیا، بهبود اقتصاد به معنای رشد سریع و فوق‌العاده است، آن چنان که در اوایل دهه ۱۹۹۰ رخ داد. اما دستیابی به چنان رشدی مشکل خواهد بود، آن هم در زمانی که منطقه می‌توانست به سهولت توسعه پیدا کند.

با وجود آنکه اقتصاد امروز شرق آسیا به مراتب از آنچه در یک دهه گذشته بود، توسعه یافته‌تر است، اما آینده توسعه اقتصادی منطقه دیگر به استفاده بیشتر از نیروی انسانی و سرمایه متکی نخواهد بود، بلکه می‌بایست بهره‌وری اقتصادی در این ناحیه افزایش یابد. این امر تنها از طریق اصلاحات اقتصادی میسر خواهد شد و به همین دلیل باید گفت که اخبار آسیا اینک دل‌سردکننده است، اگرچه اقتصاد منطقه رو به رشد می‌باشد.

اگر دولت‌های منطقه نتوانند به وعده‌های خود درباره اصلاحات عمل کنند، در آن صورت برای ایجاد زمینه مناسب جهت استفاده مؤثرتر از سرمایه و رشد سریع‌تر بهره‌وری، توفیقی به دست نخواهند آورد. چنین ناکامی، بار سنگینی بر اقتصاد شرق دور تحمیل خواهد کرد که در دهه بعد، سنگین‌تر خواهد شد. در بدترین وجه آن نیز، فرصت از دست خواهد رفت و این بدان معناست که آسیا فقط نباید روی دورنمای رشد بلندمدت متمرکز شود و بهبود اوضاع اقتصادی در کوتاه‌مدت را فدا کند.

با وجود آنکه برای خروج از رکود اقتصادی، همواره راهی وجود دارد، اما منطقه شرق آسیا در معرض خطرات بالقوه‌ای قرار دارد که به‌ویژه اثر شوک‌های خارجی بر آن نباید نادیده گرفته شود. البته این امر بدان معنا نیست که رهبران منطقه باید تأثیر دوره‌های تجاری را از مجموعه چالش‌های تحمیلی ساختاری آسیا مجزا کنند. بدون چنین تمایزی، درک اخبار مغشوش منطقه و یا

۳۰ درصد برخوردار شده است، اما پیش‌بینی می‌شود رشد فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی در سطح ۵ تا ۸ درصد باقی بماند.

تایلند و مالزی به سرعت در حال حرکت به سوی بهبود اوضاع اقتصادی گام برمی‌دارند. حتی اندونزی که با ۲۰ درصد افت تولید مواجه شده، انتظار می‌رود که در پایان سال ۱۹۹۹ نشانه‌های بهبود اوضاع اقتصادی در آن کشور هویدا گردد.

با وجود آنکه پیش‌بینی می‌شود اقتصاد برخی کشورهای شرق آسیا بهبود یابد، ولی سرعت و میزان رشد آن حتی برای برخی کارشناسان خوش‌بین موجب شگفتی و حیرت است.

بازار سهام منطقه نیز بهبودهایی را نشان می‌دهد. ارزش سهام در بازارهای تایلند و مالزی به دو برابر سال گذشته رسیده و شاخص‌های اصلی در بورس‌های سئول و سنگاپور اندکی بیش از سطح آنها در اواسط سال ۱۹۹۷ قرار گرفته‌اند. (در اواسط سال ۱۹۹۷ میلادی، اضمحلال اقتصادی کشورهای شرق آسیا آغاز شد و بازارهای سهام با رکود مواجه شدند.)

با وجود آنکه سرعت اصلاحات اقتصادی کند است، اما نشانه‌های بهبود اقتصادی بدون تردید، اخبار خوبی تلقی می‌شوند. در واقع پس از دو سال اقتصاد انقباضی، هنوز اقتصاد شرق آسیا به مراتب کمتر از ظرفیت و توانمندی‌های واقعی خود عمل می‌کند. با این وجود زندگی به آهستگی در این منطقه از جهان به حال عادی بازمی‌گردد. با این حال این آخر داستان نیست. زیرا عادی شدن احتمالی نسومیدی برای کارگران، سرمایه‌گذاران و شرکت‌ها را به اثبات خواهد رساند.

برای بسیاری از کشورهای شرق

تمایل دارد به موارد کمک‌های خود برای کشورهای اندونزی، کره جنوبی و تایلند و نیز کشورهایی که نرخ بهره را برای تقویت پول ملی افزایش می‌دهند، اعتبار بیشتر ببخشد.

اما در مقابل ماهاتیر محمد نخست‌وزیر مالزی قصد دارد که با سرعت سیاست‌های صندوق را رد کند و به سیستم کنترل بر سرمایه خود برای تثبیت اوضاع اقتصادی کشور، اعتبار بخشد. این در حالی است که برخی دولتمردان مالزی نیز تأکید کرده‌اند که کنترل‌های پولی و سرمایه‌ای که در مالزی به اجرا درآمده، موجب نجات اقتصاد این کشور شده است.

مهرم بیره‌های آسیا

باید گفت، تصمیم درباره کنار گذاردن سیاست‌های محدود مالی که ابتدا از سوی صندوق بین‌المللی پول تجویز شد، برای بسیاری از کشورهای شرق آسیا سرنوشت‌ساز بوده است.

اندونزی و کره جنوبی در اولین تلاش (در اتخاذ سیاست پولی انبساطی) در سال ۱۹۹۹ با کسری بودجه‌ای به میزان ۶ درصد تولید ناخالص داخلی‌شان مواجه می‌باشند. وضع تایلند و مالزی نیز با آنها تفاوت زیادی نداشت. می‌بایست بخشی از این کسری بودجه صرف پرداخت وجوهی برای «عملیات نجات بانک‌ها» شود و بخش اعظم آن صرف اجرای برنامه‌های سستی ایجاد انگیزه‌های مالی نظیر کاهش مالیات‌ها و اجرای پروژه‌های زیربنایی شود.

اثرات مستقیم این کسری‌های بودجه به تدریج در حال هویدا شدن است. مالزی مثال خوبی است. در این کشور حتی خانواده‌های طبقه متوسط با بی‌میلی برای اقلام گران (خرید خانه و خودرو شخصی) هزینه می‌کنند. با این

حال مصرف‌کنندگان در دیگر کشورها شروع به افزایش هزینه‌های مصرفی می‌کنند. در تایلند اعتماد مصرف‌کنندگان به اوضاع اقتصادی افزایش یافته، با این وجود دولت تایلند ملزم به دلسرد کردن تایلندی‌های مرفه به تغییر عادات دیرینه (خرید از خارج در تعطیلات) شده است.

شرکت‌ها با ترمیم سهامشان به دورنمای بهبود اقتصادی پاسخ می‌دهند. این حرکت در کره جنوبی صنعتی شده به سهم خود نقش عمده‌ای در فعال کردن گردش فعالیت‌های اقتصادی دارد.

همزمان با افزایش تقاضای داخلی، صادرات در درون منطقه نیز رونق گرفته و این در شرایطی است که نیمی از تجارت خارجی کشورهای شرق آسیا در همین منطقه انجام می‌شود. این روند به بهبود اوضاع اقتصادی منطقه کمک کرده است، زیرا در دوره رکود حتی صادرات درون منطقه‌ای، راگد شد. با این حال تراز مثبت تجاری کشورهای منطقه از عواملی نظیر قطع خطوط اعتباری و کاهش بیشتر واردات ناشی می‌شود.

با وجود آنکه رشد تجارت منطقه‌ای به چشم می‌خورد، اقتصاد مالزی و فیلیپین که صاحب بخش‌های بزرگ الکترونیک می‌باشند، با رشد صادرات به خارج از منطقه یاری می‌شوند. مجموعه‌های اقتصادی کره نیز با مهارت‌های بازاریابی، الگوهای صادراتی خود را متحول ساخته‌اند.

باید دقت داشت که مخاطرات واضح و روشن این بهبود، از خارج از جنوب شرقی آسیا پدیدار خواهد شد.

برای مثال اگر وضعیت اقتصادی ژاپن تغییر یابد، برای اقتصاد منطقه خیر بدی خواهد بود، زیرا ژاپن به تأمین تقاضای همه چیز، از کالاهای الکترونیکی گرفته تا خدمات گردشگری

و تجارت الوار می‌پردازد. تغییر وضعیت اقتصادی ژاپن مسلماً بر اقتصاد منطقه اثر منفی خواهد داشت.

اگر چین که رشد اقتصادی خود را پس از پشت سر نهادن رکود، حفظ کرده، می‌خواست که کاهش شدید ارزش پول ملی (یوان) را حفظ کند، اعتماد به اوضاع اقتصادی منطقه ضربه شدیدی می‌دید.

اگر تقاضا در اقتصاد آمریکا برای وسایل الکترونیکی بی‌ثبات شود، ضربه شدیدی به اقتصاد شرق آسیا وارد خواهد شد که در پی آن وخامت مالی پیش می‌آید.

مخاطره دیگری نیز در درون منطقه وجود دارد و آن سیستم بانکداری بیمار است. در اقتصاد شرق آسیا، اعتبارات بانکی نقش بالاتری نسبت به دیگر بازارهای پولی ادغام شده (اتحادیه اروپا) ایفا می‌کند. برای مثال، مجموع وام‌های بازپرداخت نشده در مالزی در پایان ماه مه ۱۹۹۹، به حدود ۱۵۰ درصد ارزش تولید ناخالص داخلی این کشور رسید، در حالی که این سهم برای برزیل در پایان سال ۱۹۹۸ که با بجران مالی روبه‌رو شد، بالغ بر ۴۳ درصد بود.

اگر شرکت‌ها بخواهند سرعت عملیات خود را با رشد تقاضا حفظ کنند، باید دست به استقراض بزنند. اما از آنجا که در دو سال گذشته رشد تقاضا محدود بوده، مشکلات و مسایل بانک‌ها، تأثیر زیادی بر عملیات شرکت‌های سالم اقتصادی نگذاشته است. در همین حال این گونه شرکت‌ها در دو سال گذشته تمایل کمتری به سرمایه‌گذاری داشتند و دارایی‌های خود را تا آخرین نفس حفظ کرده و می‌کنند و اقدام به استقراض از بانک‌ها با نرخ بهره زیاد نمی‌کنند. اما اینک نرخ‌های بهره در سیستم بانکی شرق آسیا پایین آمده و لذا تقاضا برای دریافت اعتبارات جدید افزایش یافته

است. از آنجا که شرکت‌ها نیاز به منابع مالی جدیدی دارند، اگر بانک‌ها آماده وام‌دهی نباشند، روند بهبود اوضاع اقتصادی متوقف خواهد شد. به همین دلیل، تعجیل و تلاش در مرمت و بهبود بانک‌های آسیا، خلاف معمول می‌باشد.

ناکافی بودن سرمایه

با وجود مخاطراتی که بدان اشاره شد، اوضاع اقتصادی آسیا، علایم روشنی از بهبود را نشان می‌دهند. لیکن فهرست طولانی اصلاحات پیشنهادی در قوانین، مقررات و کارهای تجاری، تأثیری بر روند اقتصادی منطقه ندارد و برای بهبود آن کاری نمی‌کند.

نویسنده مقاله عقیده دارد که اصلاحات پیشنهادی بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سرمایه‌گذاران خارجی که به عنوان یک ضرورت مطرح شده‌اند، به قصد افزایش تقاضا برای بهبود کارایی اقتصاد آسیا و تنظیم منابع اقتصادی منطقه نیست. بلکه منظور از این اصلاحات، ایجاد سیستم‌های قوی‌تر بانکداری با دخالت بیشتر مؤسسات خارجی و مداخله کمتر سرمایه‌های محلی، شفاف‌تر شدن معاملات دولت‌ها و بخش خصوصی، آرایه سیستم بهتری برای مدیریت ورشکستگی و انگیزه‌هایی برای افراد برای استفاده بهتر از منابع طبیعی می‌باشد.

با این وصف، تغییرات سریعی در بازارهای سرمایه رخ می‌دهد. در حال حاضر اقتصاد منطقه، سیستم‌های مالی موجود خود را تا حدودی توسعه داده است. این اصلاحات با دو هدف تثبیت بانک‌ها و ایجاد مکانیزم‌های گسترده‌تر برای درکنار هم قرار دادن پس‌اندازکنندگان و وام‌گیرندگان است.

نقطه شروع وخامت آینده، بانک‌ها هستند. اساس کار نیز کاملاً روشن است.

بانک‌ها منابع خود را بدون توجه به مخاطرات اعتباری به شرکت‌هایی وام می‌دهند که توجه زیادی به اصلاح عملکرد مالی خود ندارند. آنها وام‌های تازه را جایگزین وام‌های گذشته (بازپرداخت نشده) می‌کنند. بدتر از همه آن است که در شرق آسیا، معمولاً بانک‌ها خود بخشی از گروه‌های بزرگ تجاری هستند. این امر سبب می‌شود که منافعشان را به گروه‌های یادشده وام دهند.

البته اقتصاد آسیا در هر کشوری متفاوت است. برای مثال سنگاپور و فیلیپین از این فاجعه گریخته‌اند، زیرا آنها به بانک‌هایشان اجازه نداده‌اند که دچار دردسر شوند. در مالزی نیز مقررات بانکی در بسیاری جهات، محتاطانه است. دلیل آن نیز آن است که اقتصاد مالزی بهتر از کشورهای همسایه‌اش است. در کره جنوبی وضع برعکس است. زیرا دولت بسه بانک‌ها دستور داده که اعتباراتشان را در اختیار مشتریان بدحساب نیز قرار دهند، اما این اقدام را با ضمانت خود، انجام ندهند.

با وجود آنکه از زمان بروز بحران پولی شرق آسیا، تلاش‌هایی برای بهبود وضع بانک‌ها به اجرا درآمده و در حال انجام است، لیکن سرمایه‌گذاری جدید بانک‌ها و جایگزینی وام‌های بد (پرداخت نشده)، مشکل جاری را حل نمی‌کند. اگر بخواهد این وضع به‌طور اساسی تغییر کند، لازم است بانک‌ها با فرهنگ جدید اعتباردهی و نظارت دقیق بر اعتبارات، آشنا و تجهیز شوند.

با وجود آنکه بانک جهانی در تایلند به آموزش مدیران بانک‌ها مبادرت ورزیده، لیکن بدون وجود رقابت بیشتر با بانک‌های خارجی و تزریق مهارت‌های جدید، بانک‌های منطقه همواره باید زیر ذره‌بین باشند. به همین دلیل سال گذشته

بسیاری از سرمایه‌گذاران منطقه دلسرد شدند. به ویژه زمانی که کشورهای چون تایلند و کره جنوبی وعده دادند که بخش بانکی خود را به روی بانکداران خارجی بگشایند. اما با گذشت این مدت، هنوز حرکت کمی انجام شده است. تایلند یک بانک خود را به یک بانک هلندی ABN Amro و بانک دیگری را به بانک DBS سنگاپور واگذار کرد. در کره جنوبی مذاکره برای فروش دو بانک محلی مدتهاست که به تعویق افتاده است.

در مالزی با وجود آنکه تراز مالی پرداخت‌های بانک‌ها رو به بهبود است، اما دولت این کشور اخیراً اعلام کرده که طرح ادغامی برای ۲۱ بانک تجاری و شرکت‌های مالی و ادغام آنها در شش گروه خدمات بزرگ مالی را در دست اجرا دارد.

در اندونزی، سیستم بانکی فاسدترین سیستم بانکداری دنیاست. در اوایل سال ۱۹۹۹ فقط ۲۰ درصد سهام بانک بالی (تنها بانک به دور از فساد مالی در اندونزی) برای واگذاری به یک مؤسسه بزرگ جهانی (استاندارد چارترد) (Standard Chartered) مناسب تشخیص داده شد. اما همین پیمان نیز با اختلاس و فساد مالی در مخاطره قرار گرفت.

اگر منطقه شرق آسیا در واقع بانک‌های شایسته‌ای داشته باشد، برخی شرکت‌ها هم‌اکنون با ورشکستگی مواجه می‌شوند. این در حالی است که قوانین ورشکستگی آسیا حتی بدتر از ورشکستگی بانک‌هاست.

در اوایل سال ۱۹۹۹، تایلند قوانین ورشکستگی را تصویب کرد و اندونزی نیز تحت فشار صندوق بین‌المللی پول، قوانین خود را سال گذشته تغییر داد. با این حال در هیچ‌یک از این کشورها، سرمایه‌گذاران اعتمادی به دادگاه‌ها ندارند

و انباشت تعهدات پرداخت نشده همچنان وجود دارد.

نویسنده مقاله عقیده دارد که برای رویارویی با دورنمای ابهام‌آمیز شرق آسیا، در کنار ساماندهی سیستم بانکی، شرق آسیا به راه‌های تازه‌ای برای جمع‌آوری سرمایه از سوی شرکت‌ها نیاز دارد. برای مثال نیاز عمیقی به بازار اوراق قرضه محلی احساس می‌شود. زیرا بازارهای توسعه یافته سرمایه در نهایت شفافیت بیشتر در عملکرد، حسابرسی دقیق و حقوق بیشتری برای سهامداران جزء را از شرکت‌ها می‌خواهند که ارایه دهند. در این زمینه کره جنوبی تا حدودی پیشرفت داشته است.

فراتر از دوران‌های اقتصادی - تجاری

اصلاح‌طلبان آسیا فقط در حوزه سیاست پولی، پیشرفت زیادی کرده‌اند. «نیل ساگر» از سازمان اوراق بهادار «اس.جی» (S.G.) در سنگاپور می‌گوید: بانک‌های مرکزی شرق آسیا یکی از درس‌های اصلی فروپاشی مالی را آموختند و آن این که، آنها نمی‌توانند اهدافی را برای مهار تورم و تثبیت نرخ ارز دنبال کنند، بدون آنکه بر ثبات قیمت‌ها تأکید نمایند.

آنها این نظریه جدید را در شرایط کنونی که سرمایه‌های خارجی به منطقه در حال سرازیر شدن است، می‌آزمایند. با وجود آنکه بسیاری از وزرای دولت‌های منطقه تمایل دارند که نرخ‌های بهره و ارز را در سطح پایینی نگه دارند، اما «ساگر» عقیده دارد که رؤسای بانک‌های مرکزی نظر خود را حفظ می‌کنند و در صورت لزوم، نرخ‌های بهره را بالا می‌برند و سیاست پولی بهتر، بهبود اقتصادی وسیع‌تر را به دنبال خواهد داشت. این در حالی است که

سیاست‌های گمراه‌کننده نرخ‌های ارز، عامل مهمی در فروپاشی منطقه می‌باشد.

«ساگر» عقیده دارد که تغییر نظریه رؤسای بانک‌های مرکزی منطقه، در برجسته کردن اهمیت اجرای اصلاحات وسیع‌تر، مؤثر خواهد بود.

زمانی که نرخ‌های ارز به‌طور مصنوعی در سطح بالا حفظ می‌شدند، اقتصاد شرق آسیا قادر بود استقراض خود را به دلار و با نرخ‌های پایین‌تر ادامه دهد و گرایش به سرمایه‌گذاری را بدون توجه به هزینه، تقویت کند. اما اگر رشد قوی اقتصادی در آینده محقق نگردد، این حقه‌های کوتاه‌مدت کاری از پیش نخواهد برد.

نویسنده مقاله عقیده دارد که در کنار تجهیز بازار سرمایه، راه‌های دیگری نیز برای احیای اوضاع اقتصادی شرق آسیا وجود دارند. یکی از آنها، حفظ فعالیت‌های تجاری و دور نگه داشتن دولت از دخالت نزدیک به آن است. یعنی قراردادهای دولتی نصیب بهترین مقاطعه‌کاران شود. راه دیگر سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت است. به ویژه در تایلند و اندونزی که مدارس قادر به تربیت کارگران ماهر موردنیاز اقتصادشان نیست، سرمایه‌گذاری برای تربیت نیروی انسانی ماهر، حایز اهمیت است.

این مسأله باید شامل حال شرکت‌ها و دولت‌ها شود؛ زیرا انگیزه‌های تحریف شده بیشتر از آن که نیاز منطقه را تأمین کند، موجب دلگرمی شرکت‌های آسیایی برای سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت مانند مستغلات شده است.

شرق آسیا باید پیروزی‌های گذشته را فراموش کند

باید اذعان کرد که برخی تغییرات قابل توجه در شرق آسیا رخ داده و این

دور از نزاکت است که گفته شود فقط تغییرات دستوری به خواست بستانکاران انجام شده است.

با این حال برخی سیاستمداران و بازرگانان آسیا، هنوز نیاز جدی به اصلاحات بیشتر را احساس نکرده‌اند. برای آنها هدف از انجام اصلاحات فقط کسب اعتماد سرمایه‌گذاران حقیقی و حقوقی خارجی و جلب رضایت صندوق بین‌المللی و جلب توجه بانک‌های سرمایه‌گذار به منطقه است.

از سوی دیگر، با سپری شدن فوری بحران پولی شرق آسیا، نیاز به منابع صندوق بین‌المللی پول کمتر احساس شد، در نتیجه انگیزه قوی برای شکل دادن به اصلاحات وجود ندارد. از سوی دیگر رهبران کره جنوبی، تایلند و اندونزی که اصلاحات را بنا نهادند، اینک به پایان اوقات خوش خود نزدیک شده‌اند. لذا با فرونشاندن بحران، وسوسه برای مهربان شدن با همپالکی‌ها در آنها تقویت شده است.

نویسنده مقاله به صراحت می‌نویسد: سیاست همچنان هزینه‌بردار است. از آن گذشته پس از دو سال سختی، کدام سیاستمدار مایل است اصلاحات دردناک بیشتری را به رأی‌دهندگان خود تحمیل و منتقل کنند. در نتیجه اصلاح‌طلبان آسیا یا جانشینان آنها به این جمع‌بندی می‌رسند که در حال حاضر «هر آنچه باید، گفته شده و کافی است.» با این وصف، اگر آنها در یک دوره رشد معقول اقتصادی، اصلاحات نهایی را پیاده نکنند، می‌توان گفت این فقط یک شیوه محض آسیایی است که بحران‌زا خواهد بود.

